

چگونه موسیقی عامیانه را گردآوری باید کرد؟

این مقاله بدرخواست «شورای جهانی موسیقی توده»
(International Folk Music Council)
بوسیط « مود کارپل » (Maud Karpeles)
و «ارنولد بکه» (Arnold Baké) تهیه شده
و «داریس پلیستر» (Doris Plaister) نیز قسمتی
بهعنوان طریقه فیلمبرداری از رقص های توده بدان
افزوده است .

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

این مقاله که بر تجارب عملی از گردآوری و ثبت کارگشته موسیقی توده مبتنی است ، برای استفاده کسانی که مایلند در شیوه های گردآوری موسیقی - بدون اینکه قصد تخصصی داشته باشند - پیشقدم و مبتکر باشند، تهیه شده است .
گردآوری موسیقی توده محتاج به مهارت و تردستی و اطلاع از نوت و فن کارست، اما مشکل اینجاست که گردآورندگان کار کرده و ماهر همیشه در دسترس نیستند و کسی که بقصد آشنایی با این کارها دارد ممکنست در وضعی قرارگیرد که تحصیل مواد اولیه این موسیقی برایش ممکن باشد و هرگاه اقدام به جمع آوری نکند فرصت از دستش برود . بنابراین ممکنست که بتواند خود بتنهائی کارهای ارزشمندی بکند بشرطیکه با حس

مسئولیت تام و تمامی باین کار دست بزنند.

همه رشته‌های تحقیقات «فولکلوری» مدیون زحمات و تجسّات این دسته کسان متفّن است که باین کار شوق دارند؛ اما اکنون که دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و دیگر مؤسسات فرهنگی دانشمندانی برای تحقیق در این زمینه اعزام می‌دارند، مسأله‌ای پیش می‌آید و آن احتیاج روزافزونی است که این دسته از دانشندان به همکاری و تشریک مساعی با گروه‌های متفّن دارند. برای اینکه این همکاری و همفکری تا آنجا که می‌کنست برثمر باشد لازمست که اتفاق نظری در طرز عرضه کردن موادی که جمع‌آوری می‌شود و موافقتی در خصوص اطلاعات و مشخصاتی که یادداشت و ثبت می‌شود، موجود باشد؛ در غیر اینصورت می‌کنست بسیاری از مواد پرازشی که بدقت جمع‌آوری شده - ولی بایی کفایتی و بیحوصلگی طبقه بندی شده - بیفایده و بی‌مورد باشد.

در اوضاع متغیر دنیای کنونی ذخائر سرشار زندگی و فرهنگ توده که مدتی دراز همچون سنتی حفظ می‌شد در شرف نابودی است و ضروری است که هرچیز که از این مقوله گرد آورده می‌شود بطریقی عرضه شود که حداکثر اطلاعات را برای فهم جایگاه آن در زندگی مردم باضافه لذتی که از لحاظ زیبایی‌شناسی بسای بخشند، در دسترس آن بگذارد.

تاکنون کوششی بکار نرفته تا زمینه‌ای ثابت و مستقل برای گردآوری فرهنگ توده فراهم بیآورد. فقط چندین اصل کلی برای راهنمایی در این زمینه وضع شده که هر گردآورنده باید مطابق باالبرز فکر خاص خود آنرا بکار بندد و از آن در رشته خاصی که کار می‌کند، استناد نماید.

نویسندگان در این مقاله درباره گردآوری موسیقی بدوی و خاص مسرمان که محتاج به اطلاعات تخصصی است اشاره ای نکرده و جنبه تخصصی خاصی در نظر نگرفته‌اند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمات سفر

گردآورنده (میراث گردآورنده موسیقی توده است) پیش از آنکه بقصد جمع‌آوری موسیقی بسفردست بزند باید خودرا با کاری که گردآورندگان پیشین در آن زمینه خاص کرده‌اند آشنا بسازد. باین طریق زحمتش نصف می‌شود و اطلاعاتی از مواد موجود کسب می‌کند. البته ادب و صرفه‌جویی در کار ایجاب می‌کند که او معمولاً نباید کار خود را در رشته‌ای که گردآورنده دیگری در آن مطالعه می‌کند وارد کند، مگر اینکه با رضایت طرفین بکار آغاز کند.

او تا آنجا که می‌کنست تاریخ مردمی را که بدیدنشان می‌رود باید بداند و اطلاعاتی درباره اوضاع محل کسب کند. و شایسته است که قبلاً با افراد سرشناس

محلّی مثل کشیش، پزشک و معلم آشنا شود. شاید که اینان اطلاعاتی در باره آوازا و رقص های محلی نداشته باشند اما می توانند با مردم آنجا مناسباتی برقرار کنند.

از لحاظ لوازم کار باید گفت که گردآورنده باید دفتر یادداشت، دوربین عکس- برداری و در صورت امکان دستگاه ضبط صوت همراه خود ببرد. نیز باید يك «دیابازن» Diapason و يك «مترونم» Metronome جیبی با خود داشته باشد. اما راجع به کتابچه های نت دار؛ بهتر است گردآورنده دو نوع کتابچه برای نوشتن موسیقی داشته باشد: يك دفتر یادداشت كوچك برای یادداشت كردن آهنگ ها Tunes و يك دفتر بزرگ برای پانویس كردن همان آهنگ ها. هر گاه گردآورنده بخواهد رقص های محلی را نیز جمع آوری کند باید فیلم سینما film - Ciné همراه ببرد.

راهنمایی های کلی

گردآورنده پیوسته در خاطر باید داشته باشد که آنهایی که می توانند اطلاعاتی باو بدهند تك تك مردان و زنان آن ناحیه اند و اینان فقط مخزن موسیقی توده نیستند. بنابراین برخورد و شیوه کارش در تماس با هر خواننده، رقصنده یا موسیقی نوازی تفاوت باید بکند. و نیز برای او نهایت ضرورت را دارد که با آنها که باو اطلاعاتی می دهند روابط دوستانه برقرار سازد. چندان بجا نیست که شیوه هایی برای برقرار کردن روابط دوستانه در اینجا تذکر بدیم ولی گفتن چند نکته شاید بکار بخورد:

اولین مسأله ضروری اینست که گردآورنده نباید نشان بدهد که بر اهالی محل برتری دارد یا اینکه اصلا حس کند که مافوق آنهاست. «ایلماری کرون» Ilmari Krohn سرآمد «فولکلورست» های فنلاندی در این باره می نویسد: گردآورنده برای اینکه مردم را با آواز خواندن وادارد نباید خود را زیاد «بگیرد» و دانشمندی و تبحر خود را پرچ آنان بکشد بلکه باید چنان رفتار کند که گویی خودش نیز از خواندن آوازه های محلی وساده لذت می برد و از گفتگو در باره چیزهایی که بعلایق مردم آن سامان وابسته است، دلشاد می شود.

از اولین درس هایی که گردآورنده باید بیاموزد «شکیبایی» است. کشاورز یا روستایی که برای گردآورنده منبع اطلاعات است معمولا از شهرنشینان ول انکارتر و فارغ ترست و گردآورنده باید با او همگام شود و به تنگی وقت و مجال اعتنا نکند. پیش از اینکه آن ده نشین آماده نمایش هنرش بشود، گردآورنده بر حس شك، ناراحتی و ترس از اینکه هنر آن شخص یاوه خواهد بود، چیره باید بشود و در اولین ملاقات بهتر است از قصد مسافرت با آنجا صحبتی در میان نکشد، بلکه در باره موضوع های عادی حرف بزند و رفته رفته دامنه صحبت را به آواز و رقص بکشاند. البته این نکته اهمیت

دارد که در وهله اول آن ده نشین را مطمئن سازد باینکه حقیقه باین موضوع علاقه مندست و اگر در عین حال بتواند با او بفهماند که خودش نیز اطلاعاتی درباره آواز و رقص دارد، سبب می شود که آن منبع خبر برای گفتن دانسته های خود آماده تر بشود. مثلاً یک روش نیکو برای شنیدن آوازه های آنها اینست که خود گردآورنده اول آواز بخواند و بعد از او خواهش کند تا او نیز آوازی بخواند.

انتظار نباید داشت که یک خواننده محلی مانند خواننده ابراهیم شروع آوازش تسوی آستیش باشد و فوراً آنها را بازگو کند. آوازه های محلی چنان با زندگی روزمره آنان آمیخته است که مدتی طول می کشد تا آنها بتوانند آوازی را بسخاطر بیاورند. گواه این جویایی است که یک آوازه خوان محلی «کن تاکی» Kentucky به «سیل شارپ» Cecil Sharp داد. گفت: «آهنکی را که شما می خواهید برایتان بخوانم وقتی یادم می آید که گاوها را رو بخانه برانم.» یک روش مفید برای بیدار کردن خاطره خواننده اینست که خود گردآورنده چند سطر از آهنکی را که گمان می کند او می داند، برایش بخواند.

گردآورنده شکیبایی را از دست نباید بدهد و هیچگاه فکر نکند چون هنرمند محلی سرعت بسؤالش جواب نمی دهد، آدم کندذهنی است. ساختمان دماغی هنرمند محلی مانند دماغ ماست، منتهی نحوه کارش با مال ما تفاوت می کند و همانطور که شیوه بیان او بنظر ما عجیب می رسد ممکنست نحوه بیان ما نیز در نظر او شکفت جلوه کند.

نیازی به گفتن نیست که آنها که در توابعی روستائی زندگی می کنند یا می توانند گاهگاهی با آنجا سربکشند طرز برخوردشان با افراد محلی بر بیگانگان مزیت دارد. نکته لازم اینکه گردآورنده باید بتواند بزبان افراد محلی با آنان گفتگو کند

والا دشوارست که با آنها روابط صمیمی برقرار یسازد. یکی از ابتدائی ترین اصولی که گردآورنده باید بداند اینست که سؤالات «کله کنده» نکند. توابع ذاتی و مشرب خوش روستائینان سبب می شود که آنها اغلب جویایی دست و پا شکسته که باعث خوشآمد پرسنده بشود، بدهند و نتوانند آنطور که باید پاسخی که بواقعیّت نزدیک باشد، بگویند. نیز اگر کاملاً متوجه سؤال نشود ممکنست برای احتراز از دروسر و توضیح بیشتر وادار به گفتن یک «آره» یا «نه» خشک و خالی بشود.

گردآورنده باید بکوشد تا آنجا که می تواند سؤالش را توضیح بدهد و جواب آنرا خوب ملتفت بشود و یادداشت بکند و از مکت های طولانی در حین گفتگو بیم نباید داشته باشد. ممکنست این سکوت، مقدمه افشا، اطلاعات گرانبهایی باشد.

چه چیزهایی را یادداشت باید کرد؟ در اوضاع و احوال خاصی - مثلاً

در اجتماعات دور افتاده - برای نشان دادن این مطلب که موسیقی عوام تاچه پایه در اجتماع تأثیر کرده و نیز برای اینکه تأثیر موسیقی عوام را در موسیقی اجدادی و باستانی بسا یانیم بهتر است هر چه را که می بینیم و می شنویم یادداشت کنیم . اما چون گرد آورنده واحد معینی قدرت کار و کوشش دارد معمولاً رسم برین جاریست که از همان چیزهایی که اجدادی و باستانی است یا که پیوستگی با سنت های باستانی دارد، یادداشت برداری می کنند . مثلاً اغلب گرد آورنده به الفاظی که از قدیم برای آهنگی درست شده برخورد می کند و یا بعضی اوقات تصادفاً يك آهنگ عوامانه بسبب تغییراتی که در حین نقل شدن از دهان بندهان در آن راه یافته، جلب توجه او را می کند . و در این جور مواردست که او باید از دفتر یادداشت خود استفاده کند .

بدیهی است یکی از مسائل مهم اینست که همهٔ صورت های ممکن و موجود يك آهنگ یا رقص یا آواز ثبت شود . اینکار حتی در مورد آلهامی که ثبت شده نیز عملی باید بشود، چه ممکنست این آهنگ ها و آوازه صورت های دیگر هم داشته باشند . بهترست در نواحی که سنت آواز خوانی و خنیاگری دامنه یافته، گرد آورنده در صورتیکه وقتش محدودست توجه خود را به اجراکننده هایی که احساس زیبایی شناسی دارد - و بهتر از همه آهنگ را می خوانند، معطوف کند .

خواننده بانوازندهٔ محلی نمی تواند تفاوت میان موسیقی «توده» Folk و «عوام» Popula را درک کند. اولین انگیزهٔ او اینست که بر جای موسیقی توده، موسیقی عوام را تحویل شما بدهد چه می پندارد که این موسیقی آنست که شما طالبش هستید . هیچگاه این اشتباه را باو تذکر ندهید چونکه آنوقت فکری کند که شما این موسیقی را بی ارزش می دانید . و انود کنید که آهنگ را یادداشت می کنید بلکه باو بگوئید نت این آهنگی را که می نوازد، پیش خودتان دارید . بعضی وقتها بهترین راه برای بیان منظور اینست که از او بخواهید «آوازه های را که بدون موسیقی است» برایتان بخواند . مراد از موسیقی در اینجا موسیقی ای است که نت ثبت شده داشته باشد . نیز چارهٔ دیگر اینست که از او بخواهید «آوازه های قدیم» را برایتان بخواند و پیوسته در خاطر داشته باشید که محکی که خوانندهٔ محلی از برای زمان دارد، با مال شما از زمین تا آسمان فرق دارد . بنظر او آوازی که پدر بزرگش می خواند خیلی قدیمی است .

چندان احتمال ندارد که يك موسیقی نواز توده بتواند در يك ملاقات آنچه را که در خاطر دارد بیرون بریزد، و بنا بر این این نکته اهمیت دارد که باید با او چندین بار بیایی ملاقات کرد . این نکته حتی در هنگام یادداشت کردن رقص ها حائز اهمیت بیشتری می شود چه خجالت و کمرومی سبب می شود که رقصندگان از حرکات معمولی خود تجاوز کنند .

گرد آورنده در ضمن دربارهٔ پاداش نقدی هم تصمیمی باید بگیرد . در بعضی کشورها و نواحیها اهالی محل از قبول پول امتناع می کنند و اگر پولی بآنها تساعاف بشود

فرورشان جریحه دار می‌شود؛ حال آنکه در کشورهای دیگر اهالی باخوشدلی فراوان پول قبول می‌کنند. گردآورنده نباید بطوری رفتار کند که گویی اطلاعاتی را که از آنها می‌خواهد بایول می‌خرد بلکه باید برایشان توضیح بدهد که چون نمی‌خواهد وقت آنها را ضایع کرده باشد بولی درعوض تقدیمشان می‌کند و نیز می‌توان پول را بعنوان هدیه کوچکی برای تشکر از حق‌شناسی آنها و یا درازای خریدن يك یادگاری بایشان پرداخت. شرط عقل نیست که پول نسبتاً زیادی بآنها داد چه ممکنست سوءظن آنها برانگیخته شود و این تصور بایشان دست بدهد که کلامی که در نزد خود دارند ارزش فراوان دارد. ولی از طرف دیگر اگر بعنوان قدردانی و تشویق هدیه کوچکی بآنها داده شود، غالباً این امر سبب می‌شود که آنها اطلاعات بیشتری بگردآورنده بدهند. در مواردی که مستقیماً بآنها پول نمی‌توان داد، ممکنست بعداً هدیه‌ای برایشان فرستاد یا اینکه چیزی بدست بچه‌هایشان داد.

دروهله اول تردید در اینست که آیا می‌توان در زمانی کوتاه به پیدا کردن کسی که بتواند آهنگ قدیمی محل را بخواند، موفق شد یا خیر. بعضی وقتها گردآورنده توانسته است مقداری اطلاعات مقدماتی از ساکنان محل بدست بیاورد ولی غالباً بگانه راه اینست که گردآورنده با هر که برخورد می‌کند بپرسد که آیا در آن نواحی کسی هست که بتواند آوازه‌های توده قدیمی را بخواند؛ و اغلب پیش از اینکه يك آوازخوان که حقیقتاً بتواند آوازه‌های قدیمی را بخواند بچنگش بیفتد، باید از بسیاری مردمان پرسش خود را مکرر کند در اینجا نیز شکست‌هایی لازمه کارست زیرا در این مرحله نیز مانند پیش کارهای مقدماتی از سر باید گرفته شود تا اینکه سر انجام معلوم شود که در آخر کار چیزی از آهنگ‌ها و آوازه‌های قدیمی پیدا می‌شود یا خیر. در حقیقت ممکنست بدست آوردن شکل صحیح يك آهنگ قدیمی مدتی دراز طول بکشد. همین که یکنفر پیدا شده که بتواند در این باره اطلاعاتی بگردآورنده بدهد بقیه نیز اغلب بتبع او پیش می‌آیند. مسأله مهم اینست که کار را شروع کرد و از آنها استفاده کرد.

تذکر این نکته بد نیست که بعضی اوقات در میان مردمان محلی زنان از شوهران خود بهتر می‌خوانند و می‌نوازند، اما اشکال بر سر اینست که زن در حضور شوهرش هنر خود را بروز نمی‌دهد. «به لا بارتک» Bela Bartók در این باره معتقدست که: «بطور کلی خاطره زنان دقیق‌تر از مردانست و بچندین سبب آوازه‌ها را صحیح‌تر می‌توانند بخوانند. مردان بیشتر در سفرند و طبیعت کارشان اقتضا می‌کند که کمتر از زنان بخوانندگی بپردازند. بعلاوه آنها بآهنگ‌هایی که بنظر خودشان ناچیزست اهمیتی نمی‌نهند. رفتن به «کاباره» و جاهایی نظیر این سبب نمی‌شود که بر ذخیره آهنگ‌های کهن توده چیزی بیفزاید. نیز گذشته‌گان، بسیاری آهنگ‌های شریفاتی می‌دانستند که ویژه زنان و دختران بود. و از این میان آهنگ‌های عروسی

و تدفین مرده را نام می‌توانیم برد.

توجه زیاد بکار باید برد تا تفاوت میان نمایندگان واقعی آهنگ‌های باستانی و اجباری و آنهارا که آهنگ‌ها ورقص‌ها را با دخالت انجمن‌های فرهنگی توده فرا گرفته‌اند، بتوان معلوم کرد.

ضبط آهنگ‌ها

هروقت که فرصتی بدست می‌آید باید با وسایل مکانیکی ضبط آهنگ‌ها شروع کرد. این شیوه نه همان سبب می‌شود که دقایق وزن، زیر و بالای العان و تزئینات نغمه‌ها را بتوانیم ثبت بکنیم بلکه شیوه خواندن را که جز با اینصورت بطریقۀ انت‌نویسی نمی‌توان حاصل کرد، بدست می‌دهد.

بغاطر باید داشت که حتی دستگاه ضبط مکانیکی نمی‌تواند آهنگ‌جاننداری را که با شخصیت و وجود خواننده وابستگی دارد برای ما حاصل کند. بهتر اینست که عکس از خواننده برداریم و اگر وسائلی در دسترس‌مان هست حتی از او فیلم برداریم.

جوهر آهنگ‌های توده طوری است که این آهنگ‌ها پیوسته در معرض تغییرات پیاپی قرار دارند چنانکه دو خواننده هرگز نمی‌توانند يك آهنگ را يك جور بخوانند و خواننده اغلب در لحن قطعه‌های گوناگون تغییراتی راه می‌دهد و حتی گاهی اوقات در حین تکرار يك قطعه معین آنرا بچندین شیوه می‌خواند. بنا بر این لازمست تا حد امکان صورت‌های دیگرگون يك آهنگ را ضبط کرد و خواننده را باید واداشت تا همه آهنگ‌ها را چندین بار از سر بخواند، حتی اگر لحن آهنگ پس از خواندن چندین قطعه اولین ضبط شده است.

برای یادداشت کردن مضمون آهنگ‌ها می‌توان از دستور «فونتیک» جهانی استفاده کرده.

ثبت آهنگ‌ها بوسیله دست

در مواردی که گرد آورنده نمی‌تواند بنحوی کامل تکرار پیاپی العان را ثبت کند باید بکوشد که تفاوت میان آنچه را که مربوط برشته اصلی نغمه (ملودی) است و صورت‌های دیگری را که احياناً رخ می‌دهند، دریابد.

خوانندگان محلی بندرت می‌توانند بدون همراهی مضمون (یا کلمات) آهنگی (ملودی) را بخوانند و گاهی اوقات اگر کلمات را بدون آهنگ بخوانند دچار گیجی و گمراهی می‌شوند. بهترین راه کار اینست که دو نفر در عین حال آهنگ را یادداشت کنند: یکی لحن آهنگ و دیگری کلمات آنرا یادداشت کند.

* برای استفاده می‌توان به (اصول مجمع جهانی «فونتیک») رجوع کرد. این کتاب را می‌توان از مجمع جهانی «فونتیک» لندن بدست آورد.

کلمات را بایستی زیر آهنگ ثبت کرد و نیز لازمست هر بی نظمی که در وزن يك قطعه دیده می شود در جای مربوط بآن یادداشت شود. اغلب اتفاق می افتد که اولین قطعه ها (یا بندهای) يك آهنگ بی نظم یا نامعین است، و فقط پس از آنکه چندین بند یا قطعه خواننده شد «ملودی» با اصطلاح متبلور می شود یعنی که شکل قطعی و معین پیدا می کند.

معمولاً خوانندگان محلی در کام معتدل آواز نمی خوانند و نیز به همین سبب موسیقی نوازهای حرفه ای هیچگاه از این کام استفاده نمی کنند مگر آنکه سازشان بر کام معتدل بنا شده باشد. از موسیقی توده غرب اروپا معمولاً می توان بشیوه معمول نت نویسی نت برداشت، اگر چه گاهی اوقات لازمست که بتوسط علاماتی روی دفتر نت نشان داد که بعضی نت های کام «خشنی» است باین معنی که نه «ببل» است و نه «دیز».

نت برداری دقیق از وزن آهنگ های توده اغلب مشکلاتی زیادتیر از نت برداشتن از فواصل دربر دارد. آهنگ های توده غالباً دچار این بی نظمی هستند که تعداد ضربها دهر ردیف یکسان نیست و گرد آورنده بایستی کوشش کند که نت ها را از لحاظ زمان مرتب کند و در الگوی مناسبی قرار دهد. اگر در آهنگ میزان موزونی موجودست باید آنرا بوسیله نشانه های زمانی نمودار کرد و برگشت ها نیز باید با دقت بسیار مشخص شود. گاهی اوقات مثل *hora lunga* شبه جزیره بالکان پیش می آید که آهنگها از وزن یکباره آزادند و اگر بخواهیم وزن را بوسیله خطوط ردیف بسنجیم دچار اشتباه و گمراهی می شویم.

باید دقت بکار بست و تفاوت میان تغییر در ارزش زمان و مکت را معین کرد. هنگامی که بندهای يك آهنگ بی دربی امتداد دارد می توان آنرا از لحاظ ارزش زمانی محدود کرد.

ضبط آهنگها بوسائل مکانیکی انسانی

هر گاه که ممکنست، باید در همان دهکده خواننده صدایش را ضبط کرد. «بلا بارتک» در این باره می نویسد:

برای ثبت آهنگ های محلی از اینکه به دوستانیان آواره، مانند خدمتکارانی که در شهرها کار می کنند یا دست فروشها یا زندانیان فراری متوسل شویم، نتیجه چندانی عایدمان نمی شود. مردمانی که خانه و زندگیشان را ترک کرده اند احتمال این را دارد که تماس خود را با اجتماع موسیقی آن سامانی که در آن می زیستند از دست بدهند تا بآن پایه که حتی در شیوه اجرای موسیقی شان نیز تغییری راه یابد. حتی اگر تصور کنیم که شیوه اجرای موسیقی در نزد آنان دیگرگون نشده و ما می توانیم در میان

آنها اشخاصی پیدا کنیم که بتوانند «ملودی»های اصیل را از برای ما بخوانند باز هم از يك نکته مهم غافل مانده ایم و آن نکته واکنش دو جانبه است که میان خواننده و دوستان محلی اش وجود دارد و نیز «انسفر» جانبشی که همیشه هنگامی که يك روستائی در میان جمعی از مردم خودش - که در عین حال که بموسیقی او گوش دارند از تذکر و راهنمایی فروگذار نمی کنند - با اجرای موسیقی می پردازد، ایجاد می شود. حال اینکه خواه تذکرات آنها خواننده یا نوازنده را اصلاح می کند و خواه خاطره او را برمی انگیزد مطلبی جداست. کلماتی که بتوسط يك نفر گفته می شود ممکنست مطالبی را بیاد دیگران بیاورد و آنها آهنگهای کامل را که مورد علاقه بسیار است بخاطر بیاورند. تذکر این حقیقت بیاید: نیست که بگویم در دهکده ها گردآورنده فرصت های مناسبی دارد که زندگی واقعی موسیقی را در آنجا مشاهده کند و وظیفه اصلی و ضروری آن آهنگها را در محیط خود دریابد.

ولی بعضی وقتها امکان این نیست که صدای خواننده را در دهکده بومی اش ضبط کنیم و مواردی پیش آمده که اطلاعات بسیار گرانبهائی از بناهندگان و زندانیان فراری بدست آمده است.

بطور کلی گردآورنده باید نزد خواننده برود اما در بعضی مواقع اگر اطمینان خواننده، جلب شد اشکالی در این نیست که او را به «استودیو»ی ضبط صدا برد و در آنجا که از لحاظ فنی وسائل بیشتری در دسترس هست صدای او را ضبط کرد.

ممکنست که خوانندگان در اول کار چیزی نگویند و خودشان دهته اما همیشه آهنگی ضبط شد و دوباره نواخته شد این کمرونی رفع می شود و آنگاه معلوم می شود که بسیاری داوطلب خواهند شد که صدایشان ضبط شود.

هدف اینست که همه آن آهنگهایی که گردآورنده یادداشت می کند، ضبط شود اما این طریقه بسبب مخارجی که می تراشید از میان رقت. بنابراین آن آهنگهایی را که بعلمت زیر وبم زیاد، وزن یا تزیینات بیش از حدت مشکل است، باید هنگام ضبط آهنگها مقدم داشت و نیز آنهایی را که اسلوب خوانندگیشان مورد توجه است بر دیگران رجعتان باید نهاد.

آهنگها را در صورت امکان باید در همان هنگامی که ضبط می شود یادداشت کرد. چه جز باینصورت ممکنست میان آهنگ ضبط شده و ثبت شده اختلافی بروز کند. بخصوص این نکته اهمیت دارد که کلمات را باید بوسیله دست یادداشت کرد زیرا کلمات همیشه در صحنه شنیدنی نیست.

اگر بیش از شروع بضبط آهنک مضمون آنرا یادداشت کنیم کمک بزرگی
بیاشده است ، چه ممکنست حافظه خواننده تا پایان آهنک یاری نکند .

در ضمن لازمست که بوسیله دمیدن در بوقی ارتفاع صدا را در صفت بضبط شده
معلوم کرد . و بهترست که برای احتراز از گیج کردن خواننده در پایان این عمل را
انجام داد . حتی اگر یادداشت کردن ارتفاع نت های آهنکی فایده ای نداشته باشد ،
مع ذلك برای تعیین سرعت ماشین تهیه صفحه بسا کمک می کند .

برای رونویس کردن آهنک بهتر اینست که اینکار را روی يك نسخه «کی»
انجام داد نه از روی اصل آهنک . و اگر سرعت کم باشد اینکار ، رونویس کردن
آهنک و بخصوص نت نویسی تزیینات آهنک را تسهیل می کند .

باقی دارد

ترجمه جواد امامی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی